

مقاله پژوهشی

میدان بهارستان و تحقق فضای مدنی

خوانشی نقادانه از سویه فضا‌مند اولین انقلاب مدرن شهری ایران*

حامد عابدینی

دانشجوی دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲ تاریخ فرارگیری روی سایت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

چکیده همسو با دیگر مظاهر تمدنی، شهر ایرانی در اثر مواجهه با مدرنیته، به افقی تازه از زیست خود گام نهاده و در کنار تحول کالبدی و پیدایش فضاهای معماری و شهری با پیکره‌بندی جدید، تجربه نوینی از بُعد اجتماعی فضا را از سر می‌گذرانند. میدان بهارستان نمونه قابل تأملی از این صورت‌بندی جدید فضایی است که در انتهای عصر قاجار خارج از نظم مسلط بدل به کانون کنشگری اجتماعی و آزادی‌خواهی مشروطه‌طلبان می‌شود. این مطالعه در بستر پارادایم انتقادی به دنبال خوانش عوامل و نیروهایی است که میدان بهارستان را در فضا-زمان تاریخی تهران عصر مشروطه، به‌عنوان فضای مدنی در نظم نوین شهری مطرح ساخته‌اند، و سعی دارد برخلاف تحلیل‌های یک‌سویه کالبدی و یا معنایی، زوایای مسکوت مانده این تجربه را از طریق روایت فضای اجتماعی آن، صدادر نماید. فضای مدنی، به‌عنوان لایه نهایی عمومیت فضای شهری، نوعی فضای زیسته است که با تسلط جامعه بر آن، بدل به بستر گفتگویی و کنش اجتماعی-سیاسی شهروندان شده و به‌سان بدن آزادی‌خواه جامعه از طریق حمایت نهادهای آن حیات خود را بازمی‌یابد. بر مبنای خوانش این پژوهش، میدان بهارستان در عصر مشروطه، به پشتوانه استقلال شهری و جدایی از شبکه منسجم فضاهای عمومی، ایجاد بستر گفتگویی از طریق حضور نهاد نوپا مجلس و انجمن‌ها و کانون‌های وابسته به آن، کثرت و تنوع حاصل از شکل‌گیری جامعه مدرن، و همچنین مطالبه و دادخواهی به‌واسطه شکل‌گیری دوگانه دولت-ملت، به تصرف مشروطه‌خواهان درآمده و ضمن ایجاد انقطاعی بنیادین در نظم سنتی حاکم، زیست اجتماعی شهر را وارد حیاتی سراسر نوپدید کرده و تجربه جدیدی از مکان‌مندی در فضای عمومی شهری را به همراه آورده است.

واژگان کلیدی | تهران عصر قاجار، فضای عمومی شهری، فضای مدنی، خوانش انتقادی، میدان بهارستان.

مقدمه | دوران قاجار با وجود خلأ توسعه، عصر آغاز تحول بنیادین جامعه و افکار عمومی مبتنی بر نفوذ غرب و مواجهه با مظاهر تمدنی است که موجب شد تا ایرانیان به‌واسطه درک شرایط زمانه و مقایسه خود با ملل پیشرفته اروپایی، خواستار تغییر و اصلاحات همه‌جانبه شوند (حقیر و کامل نیا، ۱۳۹۹، ۶۳). این تحولات، تکتیری بی‌سابقه در عرصه سیاسی و اجتماعی ایجاد کرده و جامعه جدیدی را از طریق جنبش‌های مدنیت‌خواهی پدید می‌آورد که انقلاب مشروطه به‌عنوان نقطه عطف آن و همچنین «بازتاب نخستین کوشش فراگیر ایرانی برای تطبیق ایده اروپایی مدرنیته با شرایط اجتماعی ایران» (میرسپاسی، ۱۳۹۸، ۱۲۸) شناخته می‌شود. تحولات این دوره علاوه بر ساحت اجتماعی، در ساختار کالبد معماری و شهر (پورزرگر

و همکاران، ۱۳۹۹) نیز بروز می‌یابد که نمود بارز آن گسترش تهران در نیمه حکومت ناصرالدین شاه (۱۲۴۶ ش) به‌عنوان «اولین پژواک نوآوری در معماری و شهرسازی ایران» (حبیبی، ۱۳۹۷، ۱۹) است. لذا با دگرگونی شهر و جامعه در تهران عصر قاجار، بستر شهری که تا پیش از این صحنه اصلی فعالیت‌های اجتماعی در قالب روابط زیست سنتی بود، با صورت‌بندی تازه، به فضای اجتماعی نوپدید و خاستگاه مدنیت‌طلبی اهالی شهر بدل می‌گردد. از میان فضاهای شهری این دوره، میدان که همواره بستر زندگی جمعی (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۷۰؛ Galkowski & Antosz, 2022) شهروندان و از مهم‌ترین کانون‌های تحرک شهری بوده، با ظهور عناصر کالبدی و اجتماعی نوپدید، در باز تولید فضای اجتماعی نقشی تازه ایفا می‌کند که اوج آن در جریان انقلاب مشروطه و حوادث پس‌از آن است. تا به امروز تحقیقات گسترده‌ای در حوزه مفهومی میدان

که از روابط علت و معلولی رایج تبعیت نمی‌کند. فضای شهری میدان بهارستان، مصداقی از هم‌آیندی مؤلفه‌های اجتماعی مختلف در کنار یکدیگر و در فضا-زمانی خاص است. از این نقطه نظر پژوهش در پارادایم خوانش انتقادی قرار می‌گیرد. خوانش انتقادی از فضا برخلاف مواجهه کالبدی و خنثی که وضعیت موجود را تنها امکان بودن تلقی می‌کند و آن را می‌پذیرد، به دنبال بازنگری و تأمل دربارهٔ نیروها و مناسبات برسانندهٔ فضاست و سعی در دست‌اندازی در وضع موجود دارد (داداش‌پور و یزدانیان، ۱۳۹۸). از این رو عوامل کالبدی و مکانی، در پیوستاری درهم‌تنیده با روابط معناساز اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرند و شهر به مثابه یک متن حاوی پیام‌ها، نمادها و معانی، و بیانگر آرمان‌ها، عقاید و دیدگاه‌های حاکم (سرتیپی اصفهانی، ۱۴۰۲) خوانش می‌شود. از نگاه فوکو، این پارادایم قائل به هیچ بنیاد و یا اصلی نهفته درون پدیده‌ها نیست و تنها لایه‌هایی از تعبیر در کار است (احمدی‌فرد و همکاران، ۱۴۰۱). لذا این پژوهش که مبتنی بر منابع پیشین و تجربهٔ مطالعاتی صورت گرفته، تلاش دارد دریچه‌ای تازه به فهم تاریخی از فضای عمومی شهر ایرانی را گشوده و امکان‌های فضایی را فارغ از نظم موجود روشن سازد.

پیشینه تحقیق

سابقهٔ این پژوهش بیشتر بر تحقیقاتی استوار است که به نحوی از انحا میدان بهارستان را محور مطالعه خود قرار داده‌اند. از مهم‌ترین آن‌ها اهری و حبیبی (۱۳۹۴) است که فراز و نشیب‌های شکلی و محتوایی میدان بهارستان را از ابتدای شکل‌گیری تا انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهد. این تحولات به خوبی نشان‌دهندهٔ تجربهٔ نوآوری ایرانی در این عرصهٔ شهری است. توکلی (۱۳۹۵)، ضمن ارائهٔ روایتی از سرگذشت مکان‌هایی از تهران که محل ظهور نهضت مشروطه بوده، به تقابل میدان توپخانه (نماد حاکمیت قاجاری) و میدان بهارستان (نماد مشروطه‌خواهی) پرداخته که در نهایت به تخصم میان این دو و غلبهٔ سلطهٔ جوانانهٔ شاه قاجار از طریق به توپ بستن میدان بهارستان می‌انجامد. تحلیل تحولات تاریخی میدان بهارستان توسط مهران (Mehan, 2017)، نشان‌دهندهٔ موقعیت ویژهٔ میدان در مجاورت اولین ساختمان مجلس شورای ملی، مسجد سپهسالار و باغ نگارستان است که این میدان را به‌عنوان اولین نقطهٔ کانونی مدرن در زندگی سیاسی و اجتماعی ایرانیان مطرح می‌سازد. کتاب «بهارستان در تاریخ» نوشتهٔ حسن باستانی‌راد (۱۳۹۰) نیز از منظر تاریخی میدان بهارستان را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در ارتباط با موضوع جایگاه میادین سنتی و جدید شهر در جنبش‌های اجتماعی در ایران تاکنون پژوهش‌های مبسوطی صورت پذیرفته است. اما می‌توان به مطالعاتی که مفهوم میدان و نقش آن در شهرها را مورد واکاوی قرار داده‌اند، توجه کرد. نجفی و شکوری (۱۳۹۹) با بررسی تحولات شبکهٔ مفاهیم مرتبط با میدان به جست‌وجوی تاریخ مفهوم آن پرداخته و بیان می‌دارند که میدان به مثابه فضایی عمومی، مفهومی منعطف است که حوزه‌های معنایی متعددی را

و موقعیت آن در ساختار شهری تهران (نجفی و شکوری، ۱۳۹۹؛ قبادیان و رضایی، ۱۳۹۲؛ هوشمند شعبان‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۹؛ رضویان و خدابخشی، ۱۳۹۴) و جایگاه آن به مثابه فضای اجتماعی (اهری و حبیبی، ۱۳۹۴؛ نجفی و اهری، ۱۳۹۲) صورت گرفته است. در کشاکش این تحولات شهری، فضای شهری مسکوت و جدا افتاده از شبکهٔ فضاهای عمومی شهر، بدل به عرصهٔ کنش مدنیت‌خواهی شهروندان در سال‌های پایانی حکومت قاجاریه می‌شود؛ میدان بهارستان، در این برههٔ تاریخی مکان به صدا درآمدن بانگ آزادی‌خواهی مردم تهران است. اهمیت میدان بهارستان در تحولات کالبدی، فضایی و اجتماعی ایران یک قرن اخیر، این میدان را همواره در کانون توجه پژوهشگران قرار داده است (محمدی و اسدی، ۱۴۰۰؛ حسینی، ۱۳۹۹؛ توکلی، ۱۳۹۵؛ انوری و احمدی، ۱۳۹۳؛ باستانی‌راد، ۱۳۹۰؛ Lak & Hakimian, 2019; Mehan, 2017; Benacer et al., 2022). با این وجود فهم ضربه‌نگ تاریخی که میدان بهارستان را به‌عنوان کانون مدنیت‌خواهی تهران عصر قاجار مطرح می‌سازد، نیازمند بازخوانی نقادانه است؛ چراکه پیداست اثرگذاری نیروهای ورای ساختار مسلط، برساخته‌ای از فضا را در قالب جامعهٔ مدنی مطرح می‌کنند.

از دیگر سو، تحقق انقلاب مشروطه، حکایت از نقطه عطفی منحصر به فرد در فضا-زمان ایران معاصر دارد؛ جایی که گزاره‌های تحول از درون حکومت و جامعه، در وضعیتی خاص متراکم شده و به شکل یک انقلاب اجتماعی بزرگ به منصهٔ ظهور می‌رسد. بخش مهمی از زمینه‌های برسانندهٔ این انقلاب مربوط به چگونگی برقراری ارتباط جامعه با فضا در پیکره‌بندی جدید شهر است. نظر به این طرح مسئله، این پژوهش سعی دارد به سویهٔ فضا‌مند نخستین انقلاب مدرن شهری ایران در قالب مفهوم فضای مدنی به‌عنوان پیوستار فضا-جامعه نور بتاباند و به این پرسش پاسخ دهد که: چه عوامل و نیروهای میدان بهارستان را در فضا-زمان تهران عصر مشروطه به‌عنوان فضای مدنی تحقق یافته در نظم نوین شهری مطرح می‌کنند؟ از طریق این نگاه، برخلاف رویه‌های غالب تحلیلی در ایران پیرامون شهر و میدان بهارستان، فضا در نسبتی مستقیم با جامعه و به مثابه قصه‌ای از درون رخداد‌های اجتماعی به شکلی انتقادی خوانش می‌شود. هویت مدنی شهر که مفهوم چالش‌برانگیز مطالعات شهری است، برخلاف رویکردی که شهر را محصول تصمیمات کلان و از بالا به پایین می‌داند، در نحوهٔ زیست تاریخی جامعه، چگونگی کنشگری یکایک افراد و روایت‌های نهفته در پس فضاها معنا می‌یابد.

روش تحقیق

فهم چگونگی شکل‌گیری برساخته‌های اجتماعی نظیر فضاهای شهری و خوانش نقش آن‌ها در روندهای تاریخی یک جامعه، نیازمند تغییر زاویه نگاه معمول در مطالعهٔ روابط و نیروهای سازندهٔ آن‌هاست. فضا در این نوع مواجهه، عرصهٔ تبلور برآیند این نیروهاست

سازمان فضایی شهر ایرانی پیش از ورود اسلام، نمی‌توان فهمی که از فضای عمومی به‌عنوان عرصه حضور فعال همه افراد مطرح هست را متصور بود.

پس از ورود اسلام اما نظام زیستی شهر ایرانی دگرگون شده و بنیان آن مبتنی بر مبانی جهان‌بینی اسلامی، پیکره‌بندی جدیدی را در خود سازمان‌دهی می‌کند. سازمان فضایی شهر ایرانی در این دوران بر مبنای چهار مؤلفه سازنده: مرکز (بازار، مسجد و میدان)، قلمرو (حصار و محدوده‌های شهری)، ساختار (شبکه ارتباطی میان اجزاء) و کل‌های کوچک (محلات و مجموعه‌های شهری) و با محوریت سکونت و زندگی جمعی شکل گرفته‌اند (ابرقویی‌فرد و منصور، ۱۳۹۹). در این نظم فعالیت‌های عمومی وجه قالب شهر است. مرکز با نقش معنایی (سیاسی، اجتماعی و عقیدتی) کانون اصلی شکل‌گیری فضاهای عمومی در مقیاس کلان‌شهری است و محلات و مجموعه‌های شهری کوچک‌تر از مرکز، نظم اجتماعی-فضایی را در مقیاس خرد شهری برقرار می‌ساخته‌اند. مضاف بر این، ساختار نیز که اتصالات میان بخش‌های مختلف شهر را تأمین می‌کرد، در بسیاری از موارد کارکردی اجتماعی می‌یافت. لذا بُعد اجتماعی وجه غالب شهری را شکل می‌داده است.

در بین تجربه‌های تاریخی فضای عمومی در این دوران، می‌توان به تعالی فضای جمعی در شیراز دوره آل‌بویه (در مساجد، میدان‌ها و ابنیه مذهبی سایر ادیان و فرقی همراه با تجمع‌های زیستی) (امینی و خادم‌زاده، ۱۴۰۰، ۴۹) و فضای عمومی اصفهان عصر صفوی (به دو شکل رسمی یعنی بخش توسعه صفوی شهر شامل خیابان چهارباغ، میدان نقش جهان، پل‌ها و باغات شهری، و غیررسمی نظیر قهوه‌خانه‌ها) (حنایی و همکاران، ۱۴۰۰) اشاره کرد. به نظر می‌رسد این استحاله فضایی و کارکردی در فضاهای جمعی شهری از قرون اولیه پس از اسلام تا صفویه و از صفویه تا نیمه قاجار، حاصل دگردیسی در فضای ایدئولوژیک در قرون اولیه پس از اسلام و فضای سیاسی ایران در عصر صفوی است (حقیقی بروجنی و رهروی پوده، ۱۳۹۹). با این وجود از نیمه قاجار به بعد، به‌واسطه مواجهه با مظاهر مدرنیته، شیوه حضور در فضای عمومی شماییلی دگرگون به خود می‌گیرد.

• سیر نظری خوانش نسبت فضا و جامعه

رویکرد این پژوهش به مفهوم فضا، همسو با نگاه اواخر قرن نوزدهمی است که بر مطالعات فلسفه اجتماعی سایه انداخته بود. در جدول ۱ برجسته‌ترین متفکرین این رویکرد برحسب سیر تطور تاریخی آمده است. در نگرش کلاسیک، فضا به‌مثابه ظرفی است که اشیا و رویدادهای وابسته به آن را درون خود جای می‌دهد. این نگرش، فضا را مقوله‌ای جدا از رویداد دانسته که همان فضای مطلق است و با دیدگاه واقع‌گرایانه از دوره رنسانس گسترش (فلاح و شهیدی، ۱۳۹۴) و توسط فیزیک نیوتونی تعمیم می‌یابد. از اواخر قرن نوزدهم به‌ویژه پس از فعالیت‌های متفکرینی نظیر کارل مارکس، فهم فضا وارد وضعیتی متفاوت می‌شود. فضا از این نقطه‌نظر به‌صورت

شامل می‌شود. این مقاله به تحول صحنه نمایش «میدان» اشاره دارد که مردم از تماشایی به بازیگران صحنه تبدیل می‌شوند و میدان را بدل به عرصه اجتماع می‌کنند. رضویان و خدابخشی (۱۳۹۴) نیز در پژوهش خود به تغییرات ساختاری میدان شهری ایران در گذر از سنت به مدرنیته پرداخته‌اند. میادین دوره قاجار عناصر سنتی و مدرن را با یکدیگر در درون و بدنه میدان عرضه می‌داشتند. پورزرگر و عابدینی (۱۳۹۹) شکل سنتی میدان را که متصل به الگوی هندسی ارگانیک شهر تاریخی است و با انتظامی پنهان روابط اجتماعی، اقتصادی و مذهبی شهر را سامان می‌بخشد عرصه بروز رفتارهای جمعی و تعادل نیروهای اجتماعی می‌دانند که با مدرنیزاسیون شهری و ورود اتومبیل، انتظام آن برهم‌خورده و انفصال شهری غالب می‌گردد. قبادیان و رضایی (۱۳۹۲) نیز با نگرشی تاریخی به بررسی ویژگی‌های فضایی و کالبدی میادین سنتی و مدرن تهران پرداخته‌اند.

مبانی نظری پژوهش

• تاریخ تجربه کنشگری اجتماعی در فضای شهری ایرانی
لفظ شهر در نوشتارهایی که خوانش اجتماعی از آن را ارائه می‌دهند، معنایی همسو با جامعه مدنی دارد. به تعبیر لوتیز مفلور زندگی در یک شهر حول محور مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی، اخلاقی، اقتصادی و مذهبی تعریف و تبیین می‌شود (مفلور، ۱۳۹۷، ۱۴). مکس وبر نیز معتقد بود «شهر مکان معاشرت شهروندانی است که از حقوق خاصی برخوردار بوده و هیئت‌هایی متشکل از شهروندان در اداره امور سیاسی و نظامی دخالت دارند» (Weber, 1966, 81). به نقل از ممتاز، ۱۳۹۰، ۱۱۱). لذا آنچه شهر را بدل به فراورده‌ای تمدنی می‌کند، بُعد کنشگری اجتماعی آن است که سعی دارد از وضع موجود فراتر رود و سرنوشتش را خود در دست گیرد. شهر ایرانی نیز در طول تاریخ متناسب با مؤلفه‌های فرهنگی نهفته در بستر، عوامل برساننده و قدرت‌های مؤثر، در هر دوره شماییلی ویژه یافته است. این شهرها، همواره و بیش از هر چیز شهرهایی سیاسی، اداری و مراکز قدرتی بوده‌اند که بر حوزه‌هایی کمابیش گسترده در اطراف خود ایجاد تسلط می‌کرده‌اند (فکوهی، ۱۳۹۶، ۳۹۵). بر این اساس ره‌گیری سابقه کنشگری مدنی با شیوه‌های حکمرانی شهری جاری در آن مشخص می‌گردد. در ایران پیش از اسلام اساس سازمان‌دهی شهرها بر مبنای نظام کهن‌دژ، شارسنتان و بیرونی، با محوریت عناصر مذهبی نظیر آتشکده و آنهیتا و براساس نظام طبقاتی صورت می‌گرفته است (حبیبی، ۱۳۹۹، ۳۳). شهر شامل دو ناحیه قلعه و بیرون آن بوده که ساکنان قلعه، وابستگان حکومت و اهالی بیرون، رعایا و مردم عادی بوده‌اند. از این‌رو فضاهای عمومی فاقد آزادی متعارف شهروندان در انتخاب‌های خود برای زندگی شهری بوده (منصوری، ۱۳۸۶) و غالباً به‌صورت طبقاتی تعریف شده که بر مبنای آن، همه مردم شهر به همه فضاها دسترسی نداشتند (حقیقی بروجنی و رهروی پوده، ۱۳۹۹). بر مبنای این شکل از

جدول ۱. متفکرین حوزه نظریه اجتماعی فضا براساس نظریه و نکات برجسته مورد بحث هر کدام. مأخذ: نگارنده.

نظریه پرداز	نظریه	شرح دیدگاه نسبت به فضای عمومی	منبع	نکات برجسته
کارل مارکس	Historical Materialism	شهر مکان تمرکز توده‌ها و پیدایش روابط اجتماعی جدید است. جایی که طبقه کارگر به آگاهی رسیده و انسان موجودی عقلانی در شهر است	Marx & Engels (1972)	فضامندی ماتریالیسم تاریخی: روابط اجتماعی اساس تعریف شهر
ماکس وبر	The City	هر مکان دربرگیرنده اجتماعی از انسان‌ها، لزوماً شهر نیست. بلکه صورت اجتماعی شهر با لحاظ سه موضوع: حقوق شهروندی ساکنان شهر، تشکیل اتحادیه‌ها و اصناف و مشارکت مردم در اداره شهر معنا می‌یابد.	پورا احمد و وفایی (۱۳۹۳)	خوانش شهر در بستر تاریخ: کنش و حضور اجتماعی مهم‌ترین عامل شهری شدن
گئورگ زیمل	The Sociology of Space	فضا یکی از انضمامی‌ترین مشخصه‌های زندگی اجتماعی است؛ مشخصه‌ای که به درک زندگی اجتماعی بر مبنای تجربه انسانی کمک می‌کند.	Lechner (1991)	ابعاد پنج‌گانه جامعه‌شناسی فضا: یکتایی، مرز، تثبیت، مجاورت، سیالیت
هانری لوفور	The Production of Space	روش فضای اجتماعی سه شکل اساسی دارد: ۱- مادی: فضای دریافته، ۲- ذهنی: فضای پنداشته، ۳- زیستی: فضای بازنمایی شده.	حبیبی و برزگر (۱۳۹۷)	سه‌گانه فضایی درک فضا: آرایش فضایی، بازنمایی‌های فضا، فضای زیسته
هانری لوفور	Right of the City	دو حق برای شهروند وجود دارد: «حق تخصیص فضا» و «حق مشارکت شهروندی». به میزان مشارکت، تملیک و تخصیص فضا توسط شهروندان در فضاهای عمومی به مفهوم حق به شهر محقق می‌شود.	علیپور کوهی و همکاران (۱۴۰۱)	حق به شهر: زیست بهتر در پیوستار فضا-زمان زندگی روزمره منوط به و تصاحب فضای شهری
هانا آرنه	The Human Condition	عرصه عمومی، عرصه سیاسی است. و دو معنا دارد: اول فضای حضور در میان دیگران و دوم فضای مابین دیگران.	Arendt, (1958, 50)	فضای عمومی: قلمرو سخنوری، عمل و آزادی (کنش سیاسی و آزاد)
میشل فوکو	Of other Spaces: Utopias and Heterotopias	نهادها (و فرم‌های معماری که آن نهادها را در خود جای می‌دهند) در جامعه نقشی کنترل‌کننده دارند. زبان تخصصی هر رشته در تولید گفتمان مستقل، مشروعیت‌بخش و حذف‌کننده نقش مهمی دارد.	نسبیت، (۵۹، ۱۳۹۳)	تبارشناسی فضا؛ فضا به مثابه میدان نیروها و دارای لایه‌های متعددی از تفسیر
دیوید هاروی	The Political Economy of Public Space	ساختار سرمایه به پشتوانه شهرسازی مدرن، فضای عمومی را به بستر نمایش کالا و تسهیل گردش پول فروکاهیده است. و امر اجتماعی تحت نظارت غیرمستقیم فعالیت‌های تجاری (مال‌ها) قرار گرفته است.	Harvey (2006)	اقتصاد سیاسی فضای عمومی: کالایی‌شدن فضای عمومی، و فاصله‌گرفتن از منفعت عمومی و اجتماعی
یورگن هابرماس	The Structural Transformation of the Public Sphere	حوزه همگانی، محل رشد آگاهی اجتماعی در جامعه مدرن است و افکار عمومی در آن با به‌کارگیری خرد انتقادی و قضاوت عقلانی شکل می‌گیرد و تنها منبع مشروعیت‌بخش به قوانین حاکم بر حیات اجتماعی است	بندرآباد و همکاران (۱۳۹۴)	حوزه عمومی بخشی از حیات اجتماعی شهروندان و محل شکل‌گیری افکار عمومی و دموکراسی
پیر بوردیو	The Theory of Practice	هر کنشگر به واسطه موقعیتش در میدان (فضای اجتماعی) با محدودیت‌ها و امکاناتی همراه است که منش او در میدان را مشخص می‌کند.	جمشیدی‌ها و پرستش (۱۳۸۶)	رابطه به‌جای تقابل عین و ذهن: دیالکتیک منش و میدان بر حسب موقعیت فرد در فضای اجتماعی
ستا. م. لو	Social construction of public space	نظریه «ساخت اجتماعی» به بررسی مناقشه میان فضا و معنا به دلایل اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک پرداخته می‌شود.	Low & Smith (1996)	فضا محصول معانی انتقال‌یافته از طریق زبان، تعامل اجتماعی، حافظه، بازنمایی و عملکرد انسان است.

فضا با مطرح کردن بُعد فضا بر دیالکتیک رایج، تحولی بنیادین در نسبت با خوانش انتقادی فضا ایجاد کرد. از نظر لوفور فضا، صرفاً محیط ساخته‌شده نیست؛ بلکه سوژه‌ای جهت مبارزه‌های سیاسی و ابزار کنترل از سوی دولت است (Katzhelson, 1992, 98). این نحله فکری در سال‌های اخیر توسط دیوید هاروی، مانوئل کستلز و دیگران دنبال شده است. همچنین میشل فوکو با «تبارشناسی فضا»، نظم علت و معلولی رایج را برهم زده و لایه‌های مختلفی

پرکتیس و در قالب گفتمان^۱ پا می‌گیرد و در راستای دستیابی به توزیع قدرت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و حفظ، تداوم‌بخشیدن و گسترش آن عمل می‌کند (ژلنیتس، ۱۳۹۹، ۲۵۳). به شکل رسمی آغازگر این نگاه را می‌توان گئورگ زیمل دانست که اساساً مبدأ تاریخی جامعه‌شناسی فضا است. پس از زیمل متفکرین دیگری سعی در بسط و گسترش این دیدگاه جدید داشته‌اند. هانری لوفور یکی از تأثیرگذارترین متفکرین بر نظریه تولید اجتماعی

آن است. ارتقای کیفیت‌های این فضا می‌تواند عامل دعوت شهروندان به حضور، مشارکت، گفتگو و رشد حوزه عمومی باشد (بندرآباد و همکاران، ۱۳۹۴). فضای عمومی محل مداخله و مناقشه طراحان و برنامه‌ریزان شهر بوده و بسترهای بااهمیتی برای توسعه هر چه گسترده‌تر جنبش‌های اجتماعی‌اند؛ خیابان‌ها، میدان‌ها و پل‌ها از جمله منابع مهم فضایی است که شهر در اختیار این قبیل تحرکات می‌گذارد (تانکیس، ۱۳۹۴، ۱۰۱). همچنین فضای عمومی حوزه‌ای میان‌دانشی است (عابدینی و آیوزیان، ۱۴۰۱) که به اشکال و شیوه‌های مختلفی (میدان، خیابان، پارک، مراکز فرهنگی، و...) در شهر ظاهر شده، ارزش زیادی به تجربه و پتانسیل مناطق شهری بخشیده (Carmona, 2019, 47) و از مصادیق توسعه پایدار شهری (مجیدی و همکاران، ۱۴۰۰) تلقی می‌گردد. فضای عمومی به واسطه آن که همواره عرصه منازعات قدرت در شهر بوده، مفهومی کاملاً نسبی است و عمومیت آن به عوامل و ذی‌نفعان متعددی وابسته است (ابرقویی‌فرد و همکاران، ۱۴۰۱)، و برداشت‌های سطحی و تحت‌اللفظی زمینه کنترل سرمایه‌داری بر آن را فراهم می‌کند (Madanipour, 2019). این عمومیت فضا بر دو قسم است: «در سنت غرب، شهر به‌عنوان محل برگزاری دو نوع کاملاً متفاوت از فعالیت‌ها و فرصت‌های اخلاقی شناخته شده است. در یک نگاه، شهر به‌عنوان «اوربان»^۳ مرکز تجارت، مبادلات بازار و فردگرایی اجتماعی^۴ است. در نگاه دیگر شهر به‌عنوان «سیویتاس»^۵، فضای شهروندی دموکراتیک فعال، برابری قانونی و فضیلت مدنی است» (Jennings, 2001, 88) به نقل از ایمانی و عرب و سلگار، ۱۳۹۹) لذا به میزانی که مفهوم شهر به سیویتاس و کنشگری مدنی و شهروندی نزدیک شود (قتیری و اشلقی، ۱۴۰۱)، مفهوم فضای عمومی در قرابت بیشتری با حوزه عمومی قرار گرفته و از آن به‌عنوان فضای مدنی^۶ یعنی «فضایی در فرایند تعامل سطح اجتماعی با سیاسی به واسطه فعل مشارکت مردمی» (ایمانی و عرب سلگار، ۱۳۹۹) یاد می‌گردد. بر همین مبنا یکی از وجوه عالی تحقق عمومیت یک فضا، ساحت مدنی آن است، که در بستر کالبدی، حضور همگانی و مبتنی بر مشارکت جمعی و فعال افراد را فراهم می‌کند. فضای مدنی به‌واقع نظم کالبدی-فضایی است که در آن مدنیت در بالاترین سطح خود امکان ظهور می‌یابد (تصویر ۱).

میدان بهارستان؛ از فضایی تفریحی به فضایی سیاسی

میدان بهارستان که امروز به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم اجتماعی و سیاسی یک قرن اخیر ایران تلقی می‌گردد، از درون یک وضعیت

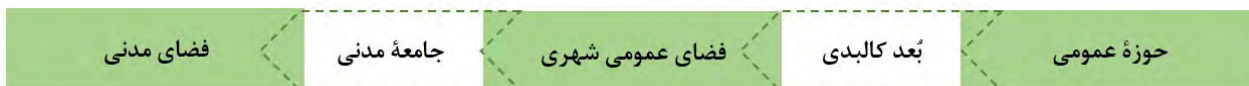
از مواجهه با فضا را پیش می‌کشد. از سوی دیگر هانا آرنت فضای عمومی را پدیده‌ای مادی-سیاسی و عرصه کنشگری جامعه، قلمداد کرده است و میراث‌خوار مکتب انتقادی فرانکفورت، یورگن هابرماس با دو نظریه «دگرگونی ساختاری فضای عمومی» و «کنش ارتباطی»، بُعد متفاوتی از خوانش فضای عمومی را مطرح می‌کند.

فصل مشترک متفکران این حوزه، نحوه برخوردشان با شهر به‌عنوان ابژه‌ای انتقادی و خوانش آن به‌مثابه یک متن اجتماعی است. بر این اساس فضا در پارادایم جدید، پرکتیسی در جهت تولید و بازتولید اجتماعی است و به‌عنوان یک سامانه چندعملیاتی و بستر مناقشه، تعارض میان مؤلفه‌های تحول‌آفرین در ساخت شهر به شمار می‌رود. فضا و رویدادهای جاری در آن مقوله‌ای جدا از هم نیستند. بلکه به‌مانند پیوستاری متأثر از کنش یکدیگر تغییر شکل و محتوا می‌دهد. فضا به تأسی از میدان نیروها (عوامل برساننده آن) دچار خمش شده و شکل منحصر به فردی از رویداد را در پی دارد. به میزانی که هر پایگاه قدرت نظیر: ساختار دولتی-حکومتی، جامعه مرتبط با بستر و نیروهای پیدا و نهان آن، گزاره‌های بیشتری بر فضا اعمال کنند، برآیند بردار نیروها را به سمت‌وسوی دلخواه کشانده و گفتمان خود را بر دیگری غالب می‌گردانند.

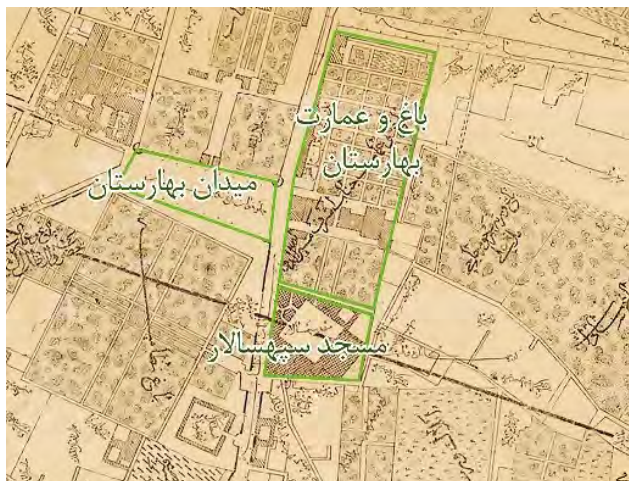
• فضای مدنی؛ تبلور جامعه مدنی در فضاهای عمومی شهر

انسان به‌مثابه یک شهروند، موجودیتی آزاد، تصمیم‌گیرنده و مطالبه‌گر در شهر دارد. این حضور ارادی و فعالانه انسان، مفهومی به نام حوزه عمومی^۲ را به‌عنوان مبنای شیوه زیست شهری، به دنبال دارد. حوزه عمومی جنبه‌ای از زندگی اجتماعی بوده که در آن بازیگران اجتماعی به شکل آزادانه جهت رقابت، بحث، و بیان دیدگاه‌ها پیرامون مسائل روز گرد هم می‌آیند و «افکار عمومی» مستقل در آن شکل می‌گیرد (Guzman & Moore, 2023). حوزه عمومی، قلمرویی بینابین میان دولت و فرد بوده و نتیجه پیدایش نوعی از آگاهی است که منافع اجتماعی کلی را در برابر منافع یک گروه خاص نمایندگی می‌کند (کراسلی و رابرتز، ۱۳۹۴، ۱۴ و ۵۵). هابرماس (Habermas, 1991 & 1964)، تحقق و گسترش دموکراسی را با گسترش حوزه عمومی و مشارکت مردم در نهادهای دموکراتیکی که سرنوشت جامعه را تعیین می‌کنند مرتبط می‌داند (میرسپاسی، ۱۳۹۴، ۵۱). حوزه عمومی به روابط بین فردی نظم داده (مدنی‌پور، ۱۳۹۶، ۲۱۶)، در برابر طبقه حاکم نظاره‌گر بوده (نجف‌زاده، ۱۳۹۲)، رکن اصلی جامعه مدنی (سبزه‌ای، ۱۳۹۴) و مهم‌ترین تجلی‌گاه کنش سیاسی شهروندان است.

فضای عمومی بخش مهمی از حوزه عمومی است که در ارتباطی علت و معلولی (ابرقویی‌فرد و همکاران، ۱۴۰۲) بازتابی از وضعیت



تصویر ۱. سیر تحقق فضای مدنی در شهر، مأخذ: نگارنده.



تصویر ۲. محدوده میدان بهارستان (جلوخان باغ نگارستان) در نقشه عبدالغفار، (۱۲۷۰ ش.). مأخذ: نگارنده، برگرفته از <https://tehranshenasi.com>



تصویر ۳. میدان بهارستان و عمارت مجلس شورای ملی در دوره قاجار. مأخذ: <http://www.negarestandoc.ir>

زیر به‌عنوان نتایج حاصل از تحلیل اسناد و مطالعات صورت گرفته مبتنی بر منطق حاکم بر نگاه پژوهش گر مطرح شده و مورد بحث واقع می‌شوند.

مشروطه و مسئله فضا؛ چگونه این انقلاب، شهری شد؟

تحركات مردمی در دوره قاجار از ابتدا عمدتاً وجهی شهری داشته است. قتل گریبایدوف، بلوای نان، جنبش تنباکو و بسیاری از دیگر حوادث رخ داده تا زمان جنبش مشروطیت، اساساً از جنس رخدادهایی شهری هستند. انقلاب مشروطه نیز به نوعی میراث‌خوار این کنشگری‌ها بود که در سال‌های پایانی قاجاریه، در عرصه‌های عمومی شهر به ثمر نشست. جنبش مشروطه در تهران، از ابتدا با مشارکت و همراهی بازاریان، روحانیان و روشنفکران شکل گرفت. در گروه بازاریان، طیف وسیعی از تاجران، بنکداران، کسبه و اصناف حضور داشتند. این امر موجب شد تا بخش قابل توجهی از تحركات منجر به انقلاب، در مراکز و مکان‌های مرتبط با این اقبال بروز یافته و بازار به‌عنوان محل تلاقی مذهب، سیاست و اقتصاد در نظم

متراکم رویدادهای تاریخ معاصر سر برآورده است. با بررسی نقشه‌های تاریخی (کرشیش ۱۲۳۷ ش.) محل میدان، تا پیش از توسعه ناصری شهر (۱۲۴۶ ش.)، بیرون از حصار تهماسبی قرار داشت. مجاورت این موقعیت با مجموعه باغ نگارستان موجب شده تا قبل از ورود به محدوده شهری، این مکان دارای پیشینه‌ای تاریخی باشد و از آن به‌عنوان جلوخان باغ نگارستان یاد شود. تا پیش از توسعه تهران، باغ‌سازی‌های گسترده‌ای پیرامون حصار شهر انجام می‌پذیرد و بدین ترتیب این جلوخان توسط باغ نگارستان در شمال، باغ سردار در شرق و باغ نظامیه در جنوب محصور شده و به‌صورت میدانهایی درمی‌آید (کوبان، ۱۳۷۰، ۳۶-۲۸). پس از توسعه تهران در نیمه حکومت ناصری، در نقشه عبدالغفار (۱۲۷۰ ش.)، میدان بهارستان وارد حصار شهر شده و به نام میدان جلوخان باغ نگارستان در نقشه درج شده است. این تاریخچه سرآغاز حیات شهری میدان به‌صورت تفرجگاه است. پس از ورود میدان به شهر، به‌مرور زمان، باغ‌های حاشیه آن در قطعات کوچک‌تر از سه باغ بزرگ اولیه، در اختیار رجال و درباریان قرار می‌گرفته و بخشی از باغ سردار در شرق میدان، به میرزا حسین خان سپهسالار (صدر اعظم ناصرالدین شاه) فروخته می‌شود. سپهسالار نیز در این باغ دو ساختمان مهم یعنی عمارت سکونتی خود و مسجد سپهسالار را بنا می‌نهد (مستوفی، ۱۳۸۸، ۴۹۸). رفته‌رفته با ساخته شدن بدنه‌های مجاور، میدان شمالی رسمی‌تر و شهری‌تر یافته و تعیین کالبدی می‌یابد (تصاویر ۲ و ۳). با وقوع انقلاب مشروطیت و تبدیل شدن عمارت سپهسالار به محل برگزاری اولین دوره مجلس شورای ملی (۲۸ مهر ۱۲۸۵ ش.)، زمینه تحول کالبدی میدان و ظهور عناصر و عملکردهای مختلف شهری فراهم شده و میدان، حیات شهری تازه‌ای را از سر می‌گیرد تا ضمن کارکرد سیاسی و اداری به پشتوانه وجود مجلس شورای ملی، کارکردهای فرهنگی، تجاری، و آموزشی نیز پیدا کند. «وجود مجلس نه‌تنها موجب ایجاد بافت و مبلمان شهری تازه‌ای در تهران است، بلکه با اجتماع دفتر روزنامه‌ها، احزاب، و سکونت شخصیت‌های سیاسی تأثیرگذار در آن، هویت اجتماعی جدیدی در محله ایجاد می‌شود» (انوری و احمدی، ۱۳۹۳). در جدول ۲ براساس روزشمار رخدادها اجتماعی-سیاسی رخ داده در بستر میدان بهارستان حدفاصل انقلاب مشروطه تا پایان حکومت قاجار را نشان داده است.

تحلیل یافته‌ها

به پشتوانه نظریه نسبت فضا و جامعه، سیر تاریخی شکل‌گیری میدان بهارستان، مطالعه پژوهش‌های گذشته و کنار هم قراردادن زوایای دور و نزدیک نگاه به مسئله، مجموعه گزاره‌های نظری پیرامون چگونگی اهمیت یافتن میدان و تبدیل شدن آن به پایگاه مدنیت‌خواهی، تبیین می‌شود. پژوهش سعی دارد، از خلال این گزاره‌ها، خوانش مختص به خود را بیرون کشیده و نظریه‌ای مبنی بر چگونگی شکل‌گیری فضای مدنی میدان بهارستان در تاریخ شهر و شهرنشینی ایران را سامان دهد. بر این مبنا، گزاره‌های نظری

جدول ۲. رویدادهای اجتماعی-سیاسی در بستر فضای عمومی میدان بهارستان. مأخذ: نگارنده برگرفته از اهری و حبیبی، ۱۳۹۴.

سال	رویداد
۱۳۸۵	انتقال محل مجلس شورای ملی از مدرسه نظام به عمارت بهارستان - ۲۴ مهر
۱۳۸۶	- ترور اتابک اعظم در جلو عمارت مجلس توسط عباس صراف - ۸ شهریور - جشن اولین سالگرد انقلاب مشروطیت در میدان بهارستان - ۱۳ مرداد
۱۳۸۷	- به توپ بستن مجلس توسط محمدعلی شاه قاجار - ۲ تیر - تجمع بازاریان تهران در بهارستان در مخالفت با محمدعلی شاه - ۲۷ خرداد
۱۳۸۸	شکست قوای دولتی از مجاهدین و مشروطه‌خواهان و تصرف آن‌ها به بهارستان - ۲۲ تیر
۱۳۹۱	جلسل مجلس در مورد اتمام حجت به روسیه و تظاهرات مردم در اطراف مجلس
۱۳۹۵	اجتماع تجار و کسبه تهران در اعتراض به تصمیم احمدشاه برای خروج از تهران - ۲۸ مرداد
۱۳۰۰	تظاهرات علیه سید ضیا طباطبایی - ۳ خرداد
۱۳۰۱	تظاهرات نظامیان به دلیل کناره‌گیری رضاخان (وزیر جنگ) و تهدید مجلس هنگام عبور از بهارستان - ۱۵ مهر
۱۳۰۲	تظاهرات موافقان و مخالفان دولت در میدان بهارستان - ۲۳ اردیبهشت
۱۳۰۳	جلسه علنی مجلس برای اعلام جمهوریت، تجمع روحانیون و اصناف در بهارستان علیه جمهوری و سردار سپه و زدو خورد با نظامیان - ۲ فروردین
۱۳۰۴	تظاهرات گسترده مردم در میدان بهارستان و قصد ورود به مجلس، تیراندازی، قتل و خون‌ریزی - ۴ مهر تظاهرات زنان تهرانی و درخواست از مجلس برای تأمین نان و ارزاق و زدو خورد با نمایندگان - ۲ مهر

نظام درهم‌تنیده شهری برای تمرکز فعالیت مدنی در تهران، پیش از انقلاب مشروطه نیز مسبوق به سابقه بوده است. پس از فشارهایی که به اجماع روشنفکران در کتابخانه ملی در خیابان ناصریه یعنی مجاور با ارگ حکومتی و فضای شهری میدان توپخانه وارد می‌شود، ایشان برای آن‌که بتوانند با دردسر کمتری به فعالیت‌های سیاسی خود بپردازند، باغ میرزا سلیمان خان میکده در خیابان گمرک فعلی را که همانند میدان بهارستان تازه به حصار شهر وارد شده و منفصل از سایر فضاها بود، انتخاب کرده و «کمیتة انقلاب» را در آن‌جا بنیان می‌نهند (ملک‌زاده، ۱۳۸۳ به نقل از توکلی، ۱۳۹۵، ۳۴، ۳۲۷). همچنین توسل جویی به بیگانگان از طریق حضور در مراکز قدرت خارجی (ثواب، ۱۳۹۹)، خاصه تجربه بست‌نشینی مشروطه‌طلبان (تجار و طلاب) در سفارت انگلیس (بصریت منش، ۱۴۰۱)، نشان از مراجعه مردم به حاشیه‌ها جهت گریز از تسلط حاکمیت بر فضاهای رسمی شهری دارد. به بیانی دیگر از همان ابتدا انقلاب مشروطه، اتمسفری جدید و فضایی نو را طلب می‌کرده است. در تصویر ۴ موقعیت میدانی اصلی عمومی شهر (سبزه‌میدان، ارگ، توپخانه و مشق) و گذرها و خیابان‌های اتصال‌دهنده آن‌ها نسبت به میدان بهارستان نمایش داده شده و بیانگر عدم ارتباط مستقیم و پیوسته میدان بهارستان با مهم‌ترین فضاهای عمومی تهران در نیمه دوم قاجار است.

از سوی دیگر برخلاف میدان توپخانه، شکل‌گیری میدان بهارستان در توسعه تهران عصر ناصری، مبتنی بر طرح و هدفی از پیش تعیین شده نبود. میدان بهارستان از هسته‌های تعیین‌کننده حکومتی فاصله داشت، در حاشیه شهر استقرار

شهر سنتی ایرانی بسیاری از رخدادهای منجر به انقلاب را درون خود جای دهد. علاوه بر بازار بزرگ، مدارس، مساجد، بقاع متبرکه و خانه‌های اشخاص با تحولات جنبش درگیر بودند (حسینی، ۱۳۹۹، ۱۷-۱۹). لذا تا پیش از به ثمر رسیدن جنبش و تشکیل مجلس، بازار با مالکیت چندوجهی، میان نیروهای مختلف توازن برقرار می‌کرد. همچنین از آنجایی که جنبش مشروطه تلاشی در جهت پذیرش ایده اروپایی مدرنیته و تطبیق آن با شرایط اجتماعی بود (میرسپاسی، ۱۳۹۸، ۱۲۸)، همانند انقلاب‌های اجتماعی مدرن غربی (نظیر انقلاب کبیر فرانسه) بهترین راه ظهور خود را در فضاهای شهر می‌دید. شهر و عرصه عمومی آن، به جنبش مدنی، معنا داده و از آن پشتیبانی می‌کند، به گونه‌ای که نزاع بر سر شهر و فضاهای آن بخش مهمی از هر انقلاب مدرن اجتماعی می‌شود.

• **گسست از فضاهای عمومی شهر؛ فرصتی برای تصرف میدان**
جلوخان باغ نگارستان مادامی که وارد عرصه جدید شهری شد، محدوده‌ای جدا افتاده از نظام فضاهای شهری و شبکه اجتماعی جاری در عرصه‌های عمومی آن بوده و در ابتدای حیات شهری خود فضایی پویا محسوب نمی‌شد. این میدان با وجود آن‌که در بخش‌هایی از سال محل تفرج مردم بود (مراسم شاهی قربانی کردن شتر، و برگزاری عزاداری و فروش اجناس در ماه رمضان در محوطه مسجد سپهسالار)، منفصل از شبکه به هم پیوسته فضاهای عمومی شهر یعنی: مجموعه بازار، سبزه‌میدان، میدان ارگ و میدان توپخانه، عمل می‌کرد. پیوستگی فضایی میان بخش‌های مختلف شهری موجب ایجاد یکپارچگی (باقری و همکاران، ۱۴۰۱) و امتداد فعالیت‌های جمعی از فضایی به فضای دیگر می‌شود. این جدایی از

قدرت (نظیر میدان ارگ و میدان توپخانه)، میدان بهارستان به علت همان جدافتادگی به پناهگاه مشروطه‌خواهان و مردم تظلم‌خواه بدل می‌گردد. در روزهای تقابل محمدعلی شاه قاجار به‌عنوان بزرگ‌ترین مخالف مشروطه با مشروطه‌خواهان، فضای شهری میدان بهارستان که تا پیش‌ازاین جلوخان مجموعه باغ‌های شاهی و درباری بود و حتی هویتی مستقل و مشخص نیز نداشته، به‌یک‌باره مسئله‌مند شده و نامش بر سر زبان‌ها می‌افتد. از این‌رو امتداد جنبش مشروطه در برابر نهاد قدرت، حول یک فضای شهری شکل می‌گیرد و دستگاه فکری استبداد میدان بهارستان را به‌مثابه یک مسئله شهری تعبیر می‌کند. این نحوه نگاه به فضای میدان، تقابلی میان عرصه‌های شهر پدید آورد که در نهایت منجر به مواجهه‌ای متعارض و همراه با کینه‌توزی می‌گردد؛ گویی میدان بهارستان که دیگر قسمتی از دارالخلافه ناصری است بخشی از خاک دشمن بوده، تا در نهایت محل جولان و عرصه تاخت‌وتاز سرکرده قزاق‌ها قرار بگیرد.

• یوم‌التوپ^۷: حذف کالبدی، سناریو استبداد برای مقابله

تاریخ معاصر ایران همواره با پرسشی مهم مواجه است، چه وضعیتی پایگاه قدرت قاجاری را به فکر به توپ بستن مجلس می‌اندازد؟ برای درهم شکستن مقاومت مشروطه‌خواهان قدرت دست به تخریب کالبدی پایگاه ایشان می‌زند؛ به نظر می‌رسد استبداد در شرایطی جدید قرار گرفته است. فضایی که تا مدت کمی قبل از آن جزء مایملک حکومتی بود و میدانی که کارکردی تفرجگاهی داشت، به تصرف جبهه مقابل درآمده بود. لذا پس از کش‌وقوس‌های فراوان، حذف کالبدی راهکار استبداد برای خاموش کردن صدای مشروطه‌خواهان در میدان و فضاهای جانبی آن است. در اصل عمارت بهارستان و میدان جلوخان آن مانند سرزمینی از دست‌رفته می‌بایست، از دشمنان بازپس گرفته شود و لوحه سردر آن از جا کنده شود (عاقلی، ۱۳۷۴، ۵۴). البته که خوانش این مواجهه محمدعلی شاه قاجار و فرمانده قزاق وی «لیاخوف روسی» با مجموعه میدان بهارستان در همین نقطه به پایان نمی‌رسد. بررسی نحوه به توپ بستن مجلس در ۲ تیر ۱۲۸۷ ش. بیانگر تلاش حکومت برای نابودی همه مظاهر مدنیت‌خواهی بود که برحسب رخدادهای چند سال پیش از آن در این میدان متمرکز شده بودند. آن‌گونه که در تصویر ۵ روشن می‌گردد استقرار توپ‌ها در مدخل چهار خیابان منتهی به میدان است. به عبارتی همه جداره‌های میدان که در آن لحظه تاریخی اکثراً محل قرارگیری انجمن‌ها و کانون‌های سیاسی-مدنی (رحمانیان، ۱۳۹۰، ۱۳۳) بودند، مورد هجوم توپ‌ها و نیروی نظامی قرار می‌گیرند و تخریب حداکثری بدل به سناریو استبداد برای مقابله با پروبلماتیک میدان می‌شود. همانند تجربه‌ای مشابه در دوره اخیر یعنی تخریب مجسمه مروراید میدان لولو (تصویر ۶) توسط دولت بحرین در ۸ مارس ۲۰۱۱،



تصویر ۴. جدا افتادگی میدان بهارستان در نسبت با شبکه فضاهای عمومی تهران پس از توسعه ناصری در نقشه عبدالغفار. مأخذ: <https://tehranshenasi.com>

یافته و از آنجاکه فاقد دروازه بود مالکیت یا کنترل خاصی بر حاضران خود القا نمی‌کرد (توکلی، ۱۳۹۵، ۷۸). به‌عبارتی دیگر نه آن قدر از مرکز شهر دور بود که از دسترس مردم خارج شود و نه در مرکز اشباع‌شده شهر قرار داشت که استعداد شکل‌گیری فضایی تازه را نداشته باشد. این فاصله از مرکز شهر سبب شد تا مجلس و مشروطه‌خواهان بتوانند بی‌آنکه تحت‌الشعاع حضور نهادهای کهن و سنت‌های فضایی آن قرار گیرند، فضای مطلوب خود را سامان دهند. خود میدان، صحن بزرگ عمارت بهارستان و مسجد سپهسالار، امکان تجمع مردم را به نحوهای گوناگون محیا و پیوند این نهاد با شهر را تقویت می‌کرد. این گسست بهارستان از نظم هم‌پیوند شهری و عدم کنترل پیوسته دستگاه حاکمیتی در میدان، بدل به زمینه‌ای برای تبلور شکل متفاوتی از فضای عمومی شده که خارج از نظارت مستقیم و غالب حکومتی قرار گرفته بود. مشروطه‌خواهان نیز این فرصت را غنیمت شمرده و پس از استقرار مجلس شورای ملی در عمارت بهارستان، فضای شهری میدان را به تصرف خود آوردند.

• پروبلماتیک شدن فضای شهری میدان برای استبداد

هر برساخته انسانی در گذار نظم سنتی به مدرن به‌واسطه ضروریات و شناختی که با خود همراه می‌کند برای پایگاه قدرت مطلقه و مسلط به مسئله تبدیل می‌شود. همان‌طور که هم‌زمانی دوره قاجار با مواجهه غرب، بیماری گسترده وباء، قحطی سراسری و بحران‌های مختلف، مسئله راه، بهداشت و سلامت بدن، ارتش نوین، و آموزش را برای حکام قاجاری پروبلماتیک کرد (حیدری، ۱۳۹۹، ۲۲۸-۲۵۲)، هم‌جواری مجلس مشروطه با فضای جلوخان باغ نگارستان و تقابل‌های صورت‌گرفته پس‌از آن، پدیده میدان را برای پایگاه قدرت بدل به معضلی شهری می‌کند. در نقطه مقابل فضاهای حاکمیتی و تحت سلطه، نفوذ و کنترل دستگاه

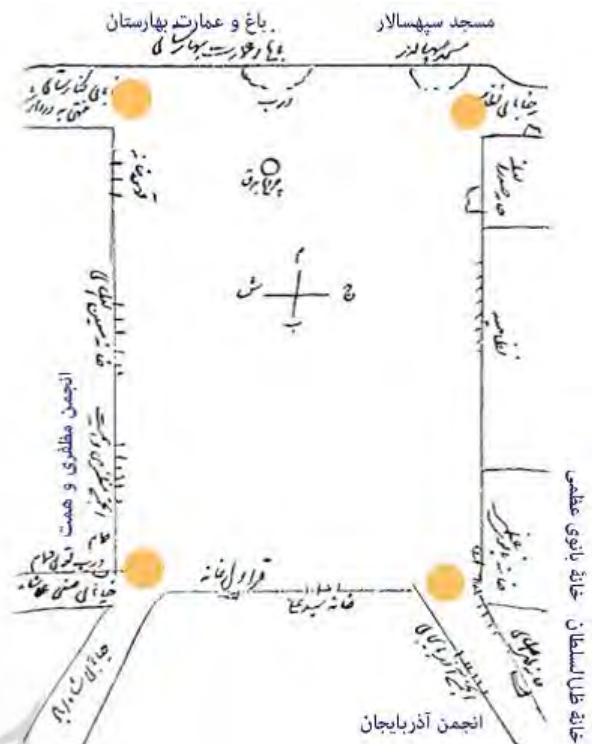
که در جریان انقلاب‌های بهار عربی به نماد آزادی‌خواهی مردم بحرین بدل گشته بود؛ استبداد تنها راه چاره را حذف کالبدی مظاهر مدنیّت‌خواهی می‌داند.

• تجربه زیست اجتماعی جدید و مکان‌مندی^۸ میدان

ادوارد سوچا با تکیه بر دیالکتیک فضا و اجتماع، فضا را دارای سه بُعد می‌داند: اول فضای فیزیکی، دوم فضای ذهنی و سوم فضای اجتماعی. براساس مفهوم فضای سوم^۹ سوچا، فضا فراتر از ساختار فیزیکی و فرایندهای ذهنی از طریق به رسمیت شناختن شکل‌گیری تاریخی و اجتماعی، و توسط تعاملات اجتماعی در روند ارتباطات انسانی ساخته می‌شود (Soja, 1996, 70-82). بر این مبنا شهروندان ساختارهای فضایی را جهت‌دهی کرده و به خدمت می‌گیرند (افراخته، ۱۳۹۵). فضای سوم معادل فضای زیسته^{۱۰} لوفور است که این دو اصطلاح به‌صورت مفهوم مکان در نظریات مختلف مورد توجه قرار می‌گیرند. از این رو مکان بیانگر بُعدی از زندگی روزمره است که در فضایی نظیر میدان بهارستان، بی‌واسطه و به‌دوراز بازنمایی ذهنی تجربه می‌شود (سخاوت‌دوست و همکاران، ۱۴۰۲). فضای عمومی شهری از طریق تولید اجتماعی آن، مکان‌مند می‌شود و در موقعیتی منحصربه‌فرد برای شهروندان قرار می‌گیرد. تجربه جدید بودن در فضای میدان بهارستان نیز با معانی نوظهور زمینه مکان‌مندی آن را در بدنه رویدادهای سیاسی و اجتماعی ایران معاصر به‌مثابه حافظه جمعی فراهم کرده و افقی جدید از سکنی‌گزیدن را به همراه دارد. این میدان با پیدا کردن معنایی متفاوت نسبت به سایر مکان‌های عمومی شهر؛ در ناخودآگاه جمعی شهروندان نماد آرمان‌خواهی و آزادی‌طلبی شده که تا دهه‌ها بعد امتداد می‌یابد. لذا فضای زیسته میدان بر وجوه دیگر آن سایه انداخته و با پررنگ کردن بُعد اجتماعی به پیدایش معانی منحصربه‌فرد منجر می‌شود. از این طریق فضای سوم یا زیسته (بُعد اجتماعی) در نسبتی مستقیم با مفهوم فضای مدنی (بُعد سیاسی) قرار می‌گیرد.

خوانش نقادانه فضای مدنی میدان بهارستان

قرار گرفتن یک فضای عمومی در وضعیت سیاسی و اجتماعی و فضا-زمانی مشخص، به تحقق بُعد مدنی آن منجر می‌شود. آنچه محرز است، مدنیّت در فضای عمومی مفهومی نسبی بوده و در تناسب با وضعیتی خاص معنا می‌یابد. هیچ عمومیت و مدنیّتی را نمی‌توان مطلق دانست و ظهور فضای مدنی در شهر امری نیست که با قاطعیت به فضایی اطلاق شود. خوانش شکل‌گیری این بُعد از عرصه عمومی در میدان بهارستان بیانگر همین نکته است که فضای مدنی اساساً طیف‌گونه بوده، در شرایطی ویژه محقق شده و تضمینی برای برقرار ماندن آن در همه زمان‌ها نیست. بر این مبنا فضای مدنی در کنار ملاحظات طراحانه، اراده قدرت و سایر ساحت‌های ناظر بر شکل‌گیری فضا (به‌صورت



تصویر ۵. استقرار توپ‌ها در مدخل ورودی چهار خیابان منتهی به میدان بهارستان و تسلط آن‌ها در جهت نابودی مظاهر کالبدی میدان. مأخذ: توکلی، ۱۳۹۵، ۸۸.



تصویر ۶. مجسمه مروراید میدان لؤلؤ شهر منامه بحرین که در جریان انقلاب‌های بهار عربی به نماد و نشانه مبارزه‌خواهی مردم بحرین توسط دولت در ۸ مارس ۲۰۱۱ تخریب می‌شود. مأخذ: <https://www.theguardian.com/international>

کرده و این آگاهی را نشر دهند که در هر وضعیتی چه امکان‌های دیگری وجود دارد. از این‌رو رشد یا زوال اندیشه سیاسی-فلسفی در هر عصر و در هر جامعه را می‌توان از طریق تضعیف یا رونق عرصه‌های عمومی به همراه تبلور کالبدی‌اش در فضاهای شهری بازشناخت و از تغییر و تحولات نظام معماری و شهرسازی در مکان‌ها و زمانه‌ای متفاوت به روند تحولات اندیشه سیاسی-فلسفی و راه رشد و یا زوال آن آگاه شد.

شهر برساخته‌های انسانی و فراتر از اندام فیزیکی و محتوای جمعیتی آن است. تهران نیمه قاجار، شهری در حال دگرگونی و پوست‌اندازی بود. به فراخور زمان و مکان آنچه از خلال این تحول بی‌سابقه و دگردیسی فرهنگی سر بیرون می‌آورد، تجسمی جدید از نحوه هم‌نشینی ساختار اجتماعی و کالبدی در کنار یکدیگر است. این همان لحظه تاریخی است که تراکم گزاره‌های نو، زمینه را برای سر بیرون آوردن اولین فضای مدنی شهری به مفهوم مدرن آن در تهران، محقق می‌سازد. تجربه شکل‌گیری فضای مدنی در بستر میدان بهارستان بیش از همه بیانگر این نکته است که این فضا، تنها براساس مشخصه‌ها و عناصر از پیش تعیین‌شده، امکان ظهور نمی‌یابد؛ لذا مداخلات طراحانه در شهر می‌بایست متوجه این نکته باشد که مدنیت و آزادی‌خواهی، در نقطه‌ای از شهر که شرایط بروز بیشتری دارد نمود می‌یابد. بردار نیروهای اجتماعی در این نقطه بر هر عامل بیرونی دیگری غلبه یافته و به شکل خاصی از کنش فضایی در تناسب با وضعیت زمینه، متجلی می‌گردد. لذا در خوانش فضای مدنی، ارزش اجتماعی بر ارزش‌های معمارانه غلبه دارد و کیفیت فضا از این منظر، به نوع جاری شدن کنش و عمل فضایی شهروندان وابسته است.

ایران از ابتدای دوره قاجار تجربه آگاهی و بیداری تدریجی را از سر می‌گذارند و نفوذ این آگاهی در سطوح مختلف اجتماعی اولین انقلاب مدرن شهری را رغم می‌زند. در اصل از نیمه قاجار به بعد تجددخواهی در همه ساحت‌های عملی و اندیشه‌ای ایرانیان قابل‌رؤیت است. به پشتوانه این نوپردازی، فضای مدنی میدان بهارستان، خواست همه‌جانبه درون و برون حکومت قاجار (با وجود مخالفت‌هایی از هر دو این بسترها) است. در یک بیان کلی، فضای مدنی لایه نهایی از حق شهروندی و شهرنشینی است؛ جایی که جامعه در بیشترین زاویه ممکن با اقتدارگرایی قرار داشته و فضا به مأمّن شهروندان آزادی‌خواه و فضای زیسته آن‌ها بدل می‌گردد. از این منظر فضای مدنی میدان بهارستان به مثابه بدن جامعه (نه همه جامعه آن زمان، بلکه تنها اجتماع مشروطه‌خواه) مورد هجوم مخالفان آزادی قرار می‌گیرد و زمانی که استبداد تاب گفتگو با آن را نمی‌آورد دست به نابودی مظاهر مدنیت‌خواهی میدان می‌زند؛ با این گمان که این بدن تکه‌تکه شده توان برگشت به شکل سابق را نخواهد داشت. از این‌رو فضای مدنی به سان بدن آزادی‌خواه

هدمند و غیر هدمند) حاصل کنش اجتماعی بوده و این خود جامعه است که تحقق آن را ممکن می‌سازد. اجتماعی بودن برساخته فضا در بنیان خود معرف فضای تصرف‌شده و زیسته در بستر جامعه، پیامد شکل‌گیری حوزه عمومی و سر برآوردن نیروی اجتماعی با همراهی لایه‌های مختلف آن است.

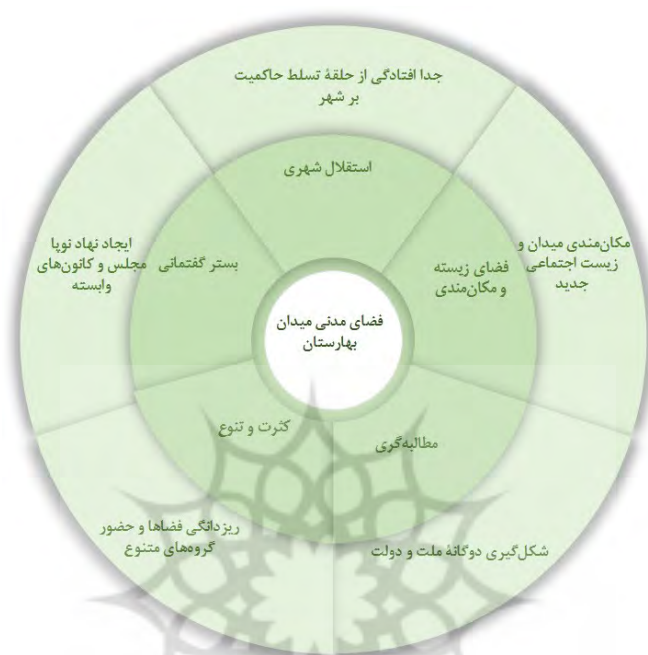
بر مبنای این تحلیل، فضای مدنی میدان بهارستان پس از انتقال مجلس شورای ملی به مجاورت آن در طلوع مشروطیت، خارج از قواعد مسلط، رؤیت‌پذیر می‌گردد و در ضربه‌هنگ حوادث مجلس اول به‌عنوان عرصه مقاومت مشروطه‌خواهان در گزارش‌های معاصرین آن، تلقی می‌شود. از این‌رو گذار از فضای تفریحی پیش از مشروطه به فضای مدنی پس‌از آن، تنها به پشتوانه اثربخشی جامعه مدنی میسر شد. این نکته حائز اهمیت است که انتقال مجلس به عمارت بهارستان تنها عامل برسازنده این شرایط نیست، بلکه در یک هم‌ایندی تاریخی موقعیت و شکل میدان، عناصر کالبدی تشکیل‌دهنده آن، و مهم‌تر از همه ماهیت شهری انقلاب مشروطه که کنش مدنیت‌خواهی و مطالبه حق توسط جامعه را به عرصه عمومی کشانده بود، موجب شد تا فضای مدنی برای اولین بار به شکل نوپردازانه آن در شهر ایرانی محقق شود. از سوی دیگر فضای مدنی اساساً منوط به جامعه (به مفهوم مدرن آن) بدون توجه به تفاوت‌های نژادی، قومی، قبیله‌ای و مذهبی است و بدین واسطه امکان حضور، کنشگری، مشارکت و مطالبه‌گری در آن امکان‌پذیر می‌شود. لذا این نوع از فضای عمومی وابسته به شکل‌گیری جامعه و ملت در پس زمینه است. بر مبنای بازخوانی نقادانه صورت‌گرفته توسط این پژوهش، میدان بهارستان در عصر مشروطه به پشتوانه استقلال شهری و جدایی از شبکه منسجم فضاهای شهری، شکل‌گیری بستر گفتمانی با حضور نهاد نوپا مجلس و انجمن‌ها و کانون‌های وابسته با آن، کثرت و تنوع حاصل شکل‌گیری جامعه مدرن و تنوع سلیقه‌ها، و مطالبه دادخواهی ماحصل شکل‌گیری دوگانه دولت-ملت، به مثابه فضایی زیسته (به تعبیر لوفور) به تصرف مشروطه‌خواهان درآمده و ضمن تحقق مکان‌مندی میدان در حافظه فردی و جمعی شهروندان، در نظم سنتی و غالب بر فضاهای شهری پیش از خود انشاقی بنیادین و تاریخی ایجاد کرده تا شهر وارد افقی دیگرگون شود و حیاتی سراسر نوپدید را از سر گیرد. در تصویر ۷ مهم‌ترین گزاره‌ها و مفاهیم کلیدی حاصل از تحلیل شکل‌گیری فضای مدنی میدان بهارستان آمده است.

بحث و نتیجه‌گیری

خوانش انتقادی، هر پدیده را در نسبت با شرایط زمانی و مکانی خاص آن مورد مطالعه قرار می‌دهد. لذا تعمیم این خوانش به دیگر رویدادها عموماً امکان‌پذیر نیست. با این وجود تحقیقاتی از این دست تلاش دارند تا نوع نگاهی متفاوت به شهر را تقویت

نماد تجربه ناکام تنفس جامعه ایرانی در اتمسفر آزادی است، که به دلایل تاریخی محقق نشد. خوانش این میدان، تلاش اجتماع ایرانی برای پدیدار ساختن جامعه مدنی‌ای را که ناکام ماند بازگو می‌کند، و روایتگر قصه شهری است که بهار آزادی آن، زیر چکمه‌های قزاق روس درهم کوبیده شد.

جامعه بوده که قوت و ضعفش درگرو میزان رواج آزادی در بستر اجتماعی است. در یک بیان کلی شهر نوین ایرانی تنها در بازنمایی کالبدی، خیابان‌کشی جدید، عناصر کالبدی نظیر چراغ‌برق، تراموا اسبی، و... باز نمود پیدا نمی‌کند بلکه در نقطه گاهی تاریخی تغییر اجتماعی با تغییر کالبدی برخورد پیدا کرده و در این لحظه فضای مدنی متولد شده است. میدان بهارستان



تصویر ۷. گزاره‌های مطرح در تحقق فضای مدنی میدان بهارستان و ایجاد انشقاق در نظم سنتی و مسلط بر فضای عمومی شهری. مأخذ: نگارنده.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

* هدف پژوهش، قضاوت و یا نظریه‌پردازی پیرامون واقعه انقلاب مشروطه نبوده و پژوهش سعی ندارد موضعی شخصی نسبت به این جنبش داشته آن را ارزش‌گذاری کند. لذا در یک فهم کلی برداشت از انقلاب مشروطه برای این تحقیق تنها، تلاش مهم جامعه ایرانی برای دستیابی به جامعه مدنی و رؤیای مدرنیته اجتماعی است که بعدی شهری پیدا کرده و میدان بهارستان سویه‌ای فضاوند از آن است.

۱. Discourse

۲. Public Sphere

۳. Urban

۴. Social Individualism

۵. Civitas

۶. Civic Space

۷. یوم‌التوپ اشاره به ۲ تیر ۱۲۸۷ ش. دارد که لیاخوف فرمانده قزاق محمدعلی شاه قاجار و مسئول امنیت شهر تهران، پایگاه آزادی‌خواهی مردم مشروطه‌خواه را به توپ بست. به ظاهر این ترکیب از لحاظ دستور زبانی غلط است (ترکیب واژه عربی و فارسی) اما کنایه قابل تأملی به عدم خردگرایی دستگاه دولتی قاجار در برابر واقعیت جامعه و آگاهی حاصل آمده از آن است.

۸. Placeness

۹. Third space

۱۰. Lived Space

- ابرقویی فرد، حمیده و منصور، سید امیر (۱۴۰۰). بازخوانی مؤلفه‌های سازنده سازمان فضایی شهر ایرانی پس از اسلام در سفرنامه‌های قرن نهم تا چهاردهم هجری قمری. منظر، ۱۳(۵۵)، ۲۰-۲۹. <https://doi.org/10.22034/man-zar.2021.240065.2070>
- ابرقویی فرد، حمیده؛ منصور، سید امیر و مطلبی، قاسم. (۱۴۰۱). مروری روایی بر نظریه‌های مرتبط با مفهوم فضای عمومی در شهر. *باغ نظر*، ۱۹(۱۶)، ۸۵-۱۰۲. <https://doi.org/10.22034/bagh.2022.376257.5305>
- ابرقویی فرد، حمیده؛ مطلبی، قاسم و منصور، سید امیر. (۱۴۰۲). «نظریه شکل خوب فضای عمومی» مروری انتقادی بر معیارهای شکل‌گیری فضای عمومی کارآمد. *باغ نظر*، ۲۰(۱۲۱)، ۳۷-۵۴. <https://doi.org/10.22034/bagh.2023.382820.5325>
- احمدی فرد، نصرت‌اله؛ حیدری، علی و سپهوندی، مسعود. (۱۴۰۱). تبارشناسی نگاره‌های قدرت فره ایزدی در اسطوره‌های شاهنامه باتکیه بر نظریات میشل فوکو. *مطالعات هنر اسلامی*، ۱۹(۴۷)، ۲۰-۳۹. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.47.3.1>
- افراخته، حسن. (۱۳۹۵). فضای سوم و پدیده فراملت در شهر - ناحیه‌های پسا استعماری. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۵(۱۸)، ۱-۲۶. <http://dx.doi.org/10.18869/acadpub.serid.5.18.1>
- امینی، محمد و خادم‌زاده محمدحسن. (۱۴۰۰). حیات جمعی و شهر شیراز در عصر آل‌بویه. *باغ نظر*، ۱۸(۱۰۵)، ۴۹-۶۰. <https://doi.org/10.22034/bagh.2021.278822.4844>
- انوری، امیر هوشنگ و احمدی، زهرا. (۱۳۹۳). جغرافیای تاریخی سیاسی میدان بهارستان و پیرامون آن. *اسناد بهارستان*، ۴، ۹. <https://www.noor-mags.ir/view/fa/articlepage/1102776/>
- اهری، زهرا و حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۹۴). میدان بهارستان. دفتر پژوهش‌های فرهنگی. <https://www.gisoom.com/book/11125488/>
- ایمانی، نادیه و عرب سلغار، ندا. (۱۳۹۹). تبیین چارچوب مفهومی منظر مدنی. *باغ نظر*، ۱۷(۸۸)، ۵۱-۶۰. <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.198639.4267>
- باستانی‌راد، حسن. (۱۳۹۰). بهارستان در تاریخ. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. <https://www.bustaneketab.ir/book/24273/>
- باقری، سیده مریم؛ نصر، طاهره؛ حیدری، علی‌اکبر و تقی‌پور، ملیحه. (۱۴۰۱). بررسی چگونگی تأثیر کیفیت پیوستگی فضایی در ورودی‌ها بر میزان حضورپذیری در بازار (نمونه موردی: بازار سنتی شهر شیراز). مرمت و معماری ایران، ۱۲(۳۲)، ۵۳-۷۰. <http://dx.doi.org/10.29252/mmi.997.14001018>
- بصیرت منش، حمید. (۱۴۰۱). بازخوانی نقش آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی در تحصن مشروطه‌خواهان در سفارت انگلیس (بررسی دیدگاه امام خمینی). *پژوهشنامه متین*، ۲۴(۹۶)، ۱-۲۵. <https://doi.org/10.22034/mat-in.2021.304316.1931>
- بندرآباد، علیرضا؛ مرادی مسیحی، وراز؛ کاوش‌نیا، حامد و علی، حسین. (۱۳۹۴). جستاری بر مفهوم‌شناسی عرصه‌های عمومی شهری در بازخوانی نظریه انتقادی و مکتب فرانکفورت. مدیریت شهری، ۱۴(۳۹)، ۲۶۳-۲۹۰. پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۶). *مبانی نظری و فرایند طراحی شهری*. انتشارات شهیدی.
- پوراحمد، احمد و وفايي، ابودر. (۱۳۹۳). مقایسه تطبیقی ساختار شهر اسلامی با شهر غربی (با تأکید بر نظریه شهر ماکس وبر). *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۵(۱۸)، ۵-۱۲.
- پورزرگر، محمدرضا و عابدینی، حامد. (۱۳۹۹). خوانش هندسه پنهان در شهر تاریخی و تأثیر تحول مدرن بر آن. *نقش جهان*، ۱۰(۳)، ۲۳۱-۲۳۸. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.1399.10.3.1.1>
- پورزرگر، محمدرضا؛ عابدینی، حامد و اعتمادی، علی. (۱۳۹۹). نقش آفرینی خیابان بر روند تجددگرایی و توسعه شهر تهران. *باغ نظر*، ۱۷(۹۱)، ۵-۱۶.
- <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.219365.4461>
- تانکیس، فرن. (۱۳۹۴). *فضا، شهر و نظریه اجتماعی؛ مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری* (ترجمه حمیدرضا پارسى و آرزو افلاطونی). انتشارات دانشگاه تهران. <https://www.gisoom.com/book/11197778/>
- توکلی، نازآفرین. (۱۳۹۵). *تعامل رویدادهای مشروطه و تحولات فضایی تهران* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران). دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
- ثواقب، جهانبخش. (۱۳۹۹). توسل جویی و بست‌نشینی در سفارت‌خانه‌ها و کنسول‌گری‌های خارجی عصر قاجاریه. *تاریخ روابط خارجی*، ۲۱(۸۲)، ۱-۳۲. https://www.hfrjournal.ir/article_126144.html
- جمشیدی‌ها، غلامرضا و پرستش، شهرام. (۱۳۸۶). دیالکتیک منش و میدان در نظریه عمل پی‌یر بوردیو. *نامه علوم اجتماعی*، ۳۰، ۳۰-۳۲. https://jnoe.ut.ac.ir/article_18322.html
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۹۷). *شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر*. دفتر پژوهش‌های فرهنگی. <https://www.gisoom.com/book/1377449/>
- حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۹۹). *از شار تا شهر*. انتشارات دانشگاه تهران. <https://www.gisoom.com/book/11471128/>
- حبیبی، سیدمحسن و امیری، مریم. (۱۳۹۴). حق به شهر؛ شهر موجود و شهر مطلوب آنچه هست و آنچه باید باشد. *انسان‌شناسی ایران*، ۲(۲۵)، ۹-۳۰. <https://doi.org/10.22059/ijar.2015.59014>
- حبیبی، میترا و برزگر، سپیده. (۱۳۹۷). معیارهای ضرب‌آهنگ‌کاو زندگی روزانه در تولید اجتماعی فضای شهری با تکیه بر تجارب پژوهشی. *صفه*، ۲۸(۸۱)، ۴۷-۶۳. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.1683870.1397.28.2.4.3>
- حسینی، حمیدرضا. (۱۳۹۹). *تهران تب‌آلود*. نشر روزنه. <https://www.gisoom.com/book/11725234/>
- حقیر، سعید و کامل‌نیا، حامد. (۱۳۹۹). *نظریه مدرنیته در معماری ایران*. نشر فکر نو. <https://www.gisoom.com/book/11719694/>
- حقیقی بروجنی، سمر و رهروی پوده، ساناز. (۱۳۹۹). دگردیسی در فضاهای جمعی ایران تا انتهای عصر صفوی. *پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی*، ۲(۲۵)، ۳۶۷-۳۹۸. <https://doi.org/10.22059/jhic.2021.307406.654165>
- حنایی، غزاله؛ دیبا، داراب و عابدینی، حامد. (۱۴۰۰). ترجمان فضایی تسامح قدرت در اصفهان عصر صفوی (مطالعه موردی: پل الله‌وردی‌خان). *باغ نظر*، ۱۸(۹۸)، ۲۱-۳۲. <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.246983.4655>
- حیدری، آرش. (۱۳۹۹). *واژگونه‌خوانی استبداد ایرانی*. مانیا هنر. <https://www.gisoom.com/book/11707090/>
- داداش پور، هاشم و یزدانیان، احمد. (۱۳۹۸). *فضا را چگونه بخوانیم؟ از خوانش پدیدارشناسانه تا خوانش انتقادی فضا*. دانش شهرسازی، ۳(۲)، ۱-۱۴. <https://doi.org/10.22124/upk.2019.14084.1266>
- رحمانیان، داریوش. (۱۳۹۰). *جنبش مشروطه*. کانون اندیشه جوان. <https://www.gisoom.com/book/1755473/>
- رضویان، محمدتقی و خدابخشی، زهرا. (۱۳۹۴). *تحولات ساختار کالبدی میدان‌های شهر تهران*. مطالعه موردی میدان‌های امام خمینی، بهارستان، انقلاب و آزادی. *پژوهش‌های دانش زمین*، ۶(۱)، ۸۰-۹۹. <https://dorl.net/dor.99-80>
- ژلنیتس، آندری. (۱۳۹۹). *فضا و نظریه اجتماعی* (ترجمه آیدین ترکمه). انتشارات علمی و فرهنگی. <https://www.gisoom.com/book/11665042/>
- سبزه‌ای، محمدتقی. (۱۳۹۴). *تحلیل جامعه‌شناسی حوزه عمومی در ایران پس از انقلاب* (۱۳۵۷-۱۳۹۴). *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۲۵(۷۱)، ۴۸-۸۹. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17351162.1394.22.71.2.9>

- https://dorl.net/dor/20.1001.1.17351901.1392.14.1.4.4. ۱۱۵-۹۲
- نجفی، مهنام و اهری، زهرا. (۱۳۹۲). میدان توپخانه دارالخلافة ناصری. روزنه.
 - نجفی، مهنام و شکوری، رضا. (۱۳۹۹). فهم «میدان» بر مینای اطوار معنایی آن. صغه، ۳۰ (۹)، ۱۱۳-۱۲۵. <https://doi.org/10.29252/sofeh.30.3.113>
 - نسبیت، کیت. (۱۳۹۳). تئوری معماری پست مدرن (ترجمه پویان روحی). کتابکده کسری.
 - هوشمند شعبان آبادی، فرانک؛ ولی‌بیگ، نیما؛ بهزادفر، مصطفی و فیضی، محسن. (۱۳۹۹). مطالعه مقایسه‌ای میدان‌های حکومتی و غیرحکومتی تهران در گستره نمای شهری. باغ نظر، ۱۷ (۸۲)، ۴۳-۵۴. <https://doi.org/10.22034/bagh.2019.172530.4006>
 - Arendt, H. (1958). *The Human Condition*. The University of Chicago Press. <https://press.uchicago.edu/ucp/books/book/chicago/H/bo29137972.html>
 - Benacer, H., Golkar, N. & Aouissi, K. B. (2022). Public Spaces as a Plalimpsest of City Layers: The Cace of Baharestan Square in Tehran (IRAN). *Journal of the Geographical Institute "Jovan Cvijic" SASA*, 72(3), 341-353. <https://doi.org/10.2298/IJGI2203341B>
 - Carmona, M. (2019). Principles for public space design, planning to do better. *Urban Design International*, 24, 47-59. <https://link.springer.com/article/10.1057/s41289-018-0070-3>
 - Gałkowski, M. & Antosz, P. (2022). The hidden boundaries of public space: Awareness of civil rights restrictions in privatized urban squares in Poland, *Cities*, 127, 103722. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103722>
 - Guzman, J. & Moore, B. (2023). Black newspapers and the Black public sphere: The utility of cartoons in the context of World War II. *Poetics*, 97, 1-13. <https://doi.org/10.1016/j.poetic.2023.101767>
 - Habermas, J. (1964). The public sphere: An encyclopedia article. *New German Critique*, 3, 49-55. <https://www.taylorfrancis.com/chapters/10.4324/9781003059509>
 - Habermas, J. (1991). *The Structural Transformation of the Public Sphere*. MIT Press. <https://mitpress.mit.edu/9780262581080/>
 - Harvey, D. (2006). The political economy of public space, In S. Low & N. Smith (Eds.). *The politics of public space*. Routledge. <https://www.routledge.com/p/book/9780415951395>
 - Jennings, B. (2001). From the Urban to the Civic: The Moral Possibilities of the City. *Journal of Urban Health*, 78(1), 88-103. <https://doi.org/10.1093%2Furban%2F78.1.88>
 - Katzelson, I. (1992). *Marxism and the City*. Oxford University Press. <https://global.oup.com/academic/product/9780198279242?cc>
 - Lak, A., Hakimian, P. (2019). Collective memory and urban regeneration in urban spaces: Reproducing memories in Baharestan Square, city of Tehran, Iran. *City, Culture and Society*, 18, 1-10. <https://doi.org/10.1016/j.ccs.2019.100290>
 - Lechner, F. J. (1991). Simmel on Social Space. *Theory, Culture and Society*, (8), 195-201. <https://www.deepdyve.com/lp/sage/c9m1MUMe4c>
 - Lefebvre, H. (1991). *The production of space*. Translated by Donald Nicholson-Smith. Cambridge. <https://www.wiley.com/en-us/-p-9780631181774>
 - Madanipour, A. (2019). Rethinking public space: between rhetoric and reality. *Urban Design International*, 24, 38-46. <https://link.springer.com/10.1057/s41289-019-00087-5>
 - Marx, K. & Engels, F. (1972). *Basic writing on politics and philosophy*. Fontana Library. <https://www.amazon.com/dp/B004DJDLI2>
 - Mehan, A. (2017). Manifestation of Modernity in Iranian Public
 - سخاوت دوست، نوشین؛ البرزی، فریبا؛ امینی، امیرحسین و عادل، شهاب‌الدین. (۱۴۰۲). تحلیل روایت مکان و مناسبات سوزه با آن در برداشتی پدیدارشناسانه از متن فیلم‌نامه «داستان توکیو». نامه هنرهای نمایشی و موسیقی، ۱۴ (۳۲)، ۷۱-۹۹. <https://doi.org/10.30480/DAM.2023.4871.1812>
 - سرتیپی اصفهانی، محمدرضا. (۱۴۰۲). دیوار بستری برای شکل‌گیری دیالوگ در سطح شهر، چگونه دیوار در دموکراتیزه کردن فضای شهر مؤثر است؟. منظر، ۱۵ (۶۴)، ۶۰-۶۳. <https://doi.org/10.22034/manzar.2023.396253.2241>
 - عابدینی، حامد و آیوازیان، سیمون. (۱۴۰۱). تحلیل جایگاه گذرهای تاریخی در ساختار فضاهای عمومی شهر (مورد مطالعاتی: گذر درخونگاه تهران). منظر، ۱۴ (۵۹)، ۷۴-۸۷. <https://doi.org/10.22034/manzar.2022.299343.2146>
 - عاقلی، باقر. (۱۳۷۴). روزشمار تاریخ ایران از مشروطیت تا انقلاب ۵۷. نشر گفتار. <https://www.gisoom.com/book/1580362/>
 - علیپور کوهی، پانته‌آ، علی کانی، سعیده و مداح‌زاد، سیده مریم. (۱۴۰۱). تدوین چارچوب مفهومی نظریه «حق به شهر» با سیری در اندیشه‌های لوفور. مطالعات میان فرهنگی، ۱۷ (۵۳)، ۹-۳۰. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17.358663.1401.17.53.4.3>
 - فکوهی، ناصر. (۱۳۹۶). انسان‌شناسی شهری. نشرنی.
 - فلاحت، محمدصادق و شهیدی، صمد. (۱۳۹۴). نقش مفهوم توده - فضا در تبیین مکان معماری. باغ نظر، ۱۲ (۳۵)، ۲۷-۳۸. https://www.bagh-sj.com/article_11715.html
 - قبادیان، وحید و رضایی، محمود. (۱۳۹۲). نخستین میدان مدرن شهر تهران بررسی دگردیسی تاریخی - فضایی میدان‌های کهن تهران تا دوره مدرن. پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۴۵ (۴)، ۱۷۷-۱۹۶. <https://doi.org/10.22059/jhgr.2013.36142>
 - قنبری، ابوالفضل و اشلقی، مهدی. (۱۴۰۱). رویکرد جغرافیایی بر آرمان و واقعیت فضاهای عمومی شهرها با تأکید بر نقش ایدئولوژی. باغ نظر، ۱۹ (۱۱۲)، ۵-۲۴. <https://doi.org/10.22034/bagh.2022.284275.4878>
 - کراسلی، نیک و رابرتز، مایکل جان. (۱۳۹۴). هابرماس، باختین، بوردیو؛ تأملاتی درباره حوزه عمومی (ترجمه محمود مقدس). نشر روزنه.
 - کوبان، سیما. (۱۳۷۰). باغ سردار. در کتاب تهران، ج. ۱. روشنگران.
 - مجیدی، مریم؛ منصوری، سید امیر؛ صابرنژاد، ژاله و براتی، ناصر. (۱۴۰۰). ظرفیت‌های منظر در تحقق مفهوم مشارکت در طرح‌های شهری. منظر، ۱۳ (۵۴)، ۱۸-۲۷. <https://doi.org/10.22034/manzar.2020.242196.2077>
 - محمدی، مریم و اسدی، مینا. (۱۴۰۰). تحلیلی بر الگوی کدگذاری متأثر از قدرت در لایه‌های متنی میدان بهارستان. معماری و شهرسازی پایدار، ۹ (۲)، ۱-۲۴. https://jsaud.sru.ac.ir/article_1568.html
 - مدنی‌پور، علی. (۱۳۹۶). طراحی شهری؛ فضا و جامعه (ترجمه بهناز امین زاده و راضیه رضاییگی ثانی). انتشارات دانشگاه تهران.
 - مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۸). شرح زندگانی من (ج. ۱). هرمس.
 - ملک‌زاده، مهدی. (۱۳۸۳). انقلاب مشروطیت ایران (ج. ۱). سخن.
 - ممتاز، فریده. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی شهر. شرکت سهامی انتشار.
 - ممفورد، لوئیز. (۱۳۹۷). شهر در بستر تاریخ؛ خاستگاه‌ها، دگرگونی‌ها و دورنماهای آن (ترجمه احمد عظیمی بلوریان). رسا.
 - منصوری، سید امیر. (۱۳۸۶). دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی: قبل و بعد از اسلام با استعانت از شواهد تحولات شهر کرمان. باغ نظر، ۴ (۷)، ۵۰-۶۰. https://www.bagh-sj.com/article_67.html
 - میرسپاسی، علی. (۱۳۹۴). اخلاق در حوزه عمومی؛ تأملاتی در باب ارزش‌ها و نهادهای دموکراتیک. ثالث.
 - میرسپاسی، علی. (۱۳۹۸). تأملی در مدرنیته ایرانی؛ بحثی درباره گفتارهای روشنفکری و سیاست مدرنیزاسیون در ایران (ترجمه جلال توکلیان). ثالث.
 - نجف‌زاده، مهدی. (۱۳۹۲). از همزمانی ظهور حوزه عمومی در ایران و غرب تا موانع اجتماعی - سیاسی گسترش آن در ایران. جامعه‌شناسی ایران، ۱۴ (۱)،

Squares: Baharestan Square (1826-1978). *International Journal of Heritage Archit*, 1(3), 411-420. <https://www.witpress.com/elibrary/ha-volumes/1/3/1231>

• Simmel, G. (1997). The Sociology of Space, In D. Frisby & M. Featherstone (eds.), *Simmel on culture*. Sage. (pp. 137-70).

• Soja, E. (1996). *Third space, Journey to Los Angeles and other real*

and imagined places. Blackwell Publishers. <https://www.amazon.com/dp/1557866759>

• Weber, M. (1966). *The city* (D. Martindale & G. Neuwirth). The Free Press. <https://www.amazon.com/dp/0029342104>

• Wirth, L. (1928). *The Ghetto*. University of Chicago Press. <https://www.amazon.com/dp/B000H161BC>



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

عابدینی، حامد. (۱۴۰۳). میدان بهارستان و تحقق فضای مدنی (خوانشی نقادانه از سویه فضا‌مند اولین انقلاب مدرن شهری ایران). *منظر*، ۱۶ (۶۷)، ۴۰-۵۳.



DOI: 10.22034/MANZAR.2024.434927.2275
URL : https://www.manzar-sj.com/article_198409.html